

رئیس جمهور آمریکا بمثابه خطری برای صلح

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴/۱۱/۱۷/prezident-usa-kak-opasnost-dlja-mira-۲۰۱۴۰۶.html>

۶ قوس ۱۳۹۳

در مقاله مشترک مندرج در تایمز بتاريخ ۴ سپتامبر ۲۰۱۴، روز گشایش اجلاس ناتو در ولز، باراک اوباما و دیوید کامرون اظهار داشتند: «هنگامی که روسیه سعی می کند بزور اسلحه یک دولت مستقل را به امتناع از حقوق دموکراتیک خود وادار نماید، ما باید از حق اوکراین برای حل دموکراتیک آینده خود حمایت کنیم و همچنین، به تلاشهایمان برای تقویت ظرفیتهای اوکراین ادامه دهیم. ما باید از نیروهای مسلح خود برای تضمین حضور قدرتمندان در شرق اروپا استفاده نموده، بطور جدی به روسیه بفهمانیم، که ما بر اساس ماده ۵ پیمان ناتو، همواره به تعهدات خود برای دفاع جمعی پایبند خواهیم بود».

لحن تهدید آمیز و گفتمان جنگجویانه مقاله به آن اشاره دارد، که آمریکائیهها و انگلیسیها بطور جدی لجوج هستند. سخنان اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل متحد بتاريخ ۲۰ سپتامبر در نیویورک، که طی آن رئیس جمهور آمریکا روسیه را در ردیف خطراتی مانند ویروس ابولا و تروریستهای «دولت اسلامی» قرار داد، این مدعا را تأیید می کند. همان دلایل در سخنان اوباما هنگام اجلاس جی ۲۰ در دانشگاه بریسن هم تکرار گردید. او گفت: «ما مبارزه و مقاومت جامعه جهانی با طاعون ابولا در غرب آفریقا و تجاوز روسیه به اوکراین را رهبری می کنیم».

باراک اوباما واقعا هم در آستانه آن شکستی قرار دارد، که افراد قوی آمریکا هرگز بر او نخواهد بخشید. شکست در تمام خطوط سیاست خارجی برنده جایزه صلح نوبل نمایان شده است. این شکست اکنون منافع ژئوپلیتیک آمریکا را هدف گرفته و ضرباتش در آینده سنگین تر خواهد بود.

تصور اینکه سیاست خارجی دولت اوباما حداقل بعد از دو-سه سال چه ثمراتی خواهد داد، دشوار نیست:

— طالبان در افغانستان به قدرت باز خواهد گشت؛

— جنگ قومی- مذهبی با صدها هزار قربانی در عراق شدت خواهد گرفت. کمپانیهای نفتی آمریکا و انگلیس از عراق خواهند شد؛

— لیبی به چند منطقه قبیله ای متخاصم با همدیگر تقسیم خواهد گردید. نفت لیبی و مناطق ساحلی دارای اهمیت راهبردی آن از دسترسی آمریکا دور خواهد ماند؛

— مخالفان مسلح دست نشانده آمریکا در سوریه متحمل شکست خواهند شد، برنامه «دمکراتیزه کردن» سوریه و تقسیم مجدد خاورمیانه بزرگ با شکست مواجه خواهد گشت؛

— ائتلاف حاکم در آلمان شکست خواهد خورد، گرایشات گریز از مرکز در میان کشورهای عضو ناتو تقویت خواهد شد؛

— اوکراین در باتلاق هرج و مرج سیاسی عمیق غرق خواهد شد و بر بستر آن، جمهوریهای خلقی دانسک و لوهانسک به استقلال خود دست خواهند یافت.

از میان همه این سوژه ها، سوژه اوکراین در سرنوشت اولین رئیس جمهور آفریقائی تبار آمریکا نقش مهمی بازی می کند. اهمیت آن از منظر برنامه دراز مدت ناتو قابل مقایسه با افغانستان و «دولت اسلامی» یا لیبی و سوریه نیست.

جنگ اوکراین هدف غرب را آشکار ساخت. قلمرو اوکراین می بایستی به سکوی اصلی حمله تمدن یهودی- پروتستان به روسیه- بعنوان نماینده نوع دیگر تمدن تبدیل می گشت. حتی ارتش نواروسیه (روسیه جدید. م.) که پرچم مزین به نشان اعجازانگیز و نجاتبخش گئورگی را و ارتش اوکراین که پرچم زرد و آبی رنگ اهدائی فون وارتهاوزن، حاکم گالیسی به هنگ سرکوب هنگام عزیمت به مجارستان در سال ۱۸۴۵، برای سرکوبی شورشهای دهقانی را بالا می برد، از رویارویی تمدنها حکایت می کنند.

درزهای طرح حمله ناتو به روسیه از طریق اوکراین، طرحی که میلیاردها دلار برای آن هزینه شده، پاره می شود. روسیه با اقدامات خود موفق شد عملیاتی را خنثی سازد که اسم رمز آن را جهان هنوز نمی داند.

ابتدا آرزوها در خصوص واگذاری پایگاه نظامی- دریائی سواستوپل به ناوگان مشترک ناتو و استقرار نیروی هوائی استراتژیک آمریکا در فرودگاههای شبه جزیره کریمه بر باد رفت. کریمه از زیر دماغ خارج شد. به همین سبب، افراد قوی آمریکا زمانی از باراک اوباما خواهند پرسید: «چرا این طوری شد جناب رئیس جمهور؟ بخاطر خروج در تکاپو بودید»؟

برنده جایزه نوبل آرامش خود را از دست داده و خطر برابر با بی کیفیتی دوره خدمتش را احساس کرده است. او بسیار آرزومند اثبات آن بود، که پروژه او شکست نخورده و نیروهای مسلح اوکراین را بدون تعلل برای سرکوبی دنباس شورشی اعزام کرد.

در مقایسه با «اشتباه کریمه» این یکی اشتباه بسیار بزرگی بود. نیروهای مسلح اوکراین در نهایت با تحمل تلفات عقب نشستند، و مغلوبیت آنها اوکراین را در وضعیت کشور در هم شکسته قرار داد. بحث در خصوص عضویت آن در ناتو غیرممکن است.

پس از این، برای افراد قوی آمریکا دیگر سوال از رئیس جمهور پیش نیامد، بلکه، آنها خواستار آنند که: «وضعیت را اصلاح نماید! زمان می گذرد». باراک اوباما سر گیجه گرفته. او نمی تواند «وضعیت را اصلاح نماید. برای اینکه جنگ، اوکراین را تقسیم نموده، تشکیل مجدد کشور واحد از طرق صلح آمیز را غیرممکن ساخته است. و احتمال پیروزی این رژیم با بقایای ارتش آن در جنگ جدید وجود ندارد.

رئیس جمهور آمریکا به گروگان بحران اوکراین تبدیل شده است. برنامه ناتو در رابطه با اوکراین همین روزها به سطل آشغال انداخته خواهد شد. فقط این مسئله باقی می ماند: توسل به برنامه کهنه آمریکا، یعنی اصلاح ماجراجوئی با تداوم آن. اکنون باراک اوباما به «خودفریبی» مشغول است. درست مثل سلف خود، جرج بوش کوچک که به پرواز پهبادهای صدام حسین در آسمان تکراس «باور» می کرد، او هم به تجاوز روسیه به اوکراین و اینکه هواپیمای مالازیائی را روسیه ساقط کرد، «باور» می کند. باراک اوباما با سخنان خود، خودش را و همچنین، باقی جهان را برای ایجاد وضعیتی تحریک می کند، که در آن امکان صدور فرمان شروع جنگ جدید در اوکراین فراهم باشد.

با قضاوت بر اساس اقدامات حاکمان کییف، می توان که آنها در جریان تصمیمات واشنگتن هستند و آماده اند جمهوریهای خلق دانتسک و لوهانسک را در حلقه محاصره خفه سازند. این،

یعنی تدارک برای جنگ جدید. بلافاصله پس از پایان تدارک، برنده جایزه نوبل فرمان حمله را صادر خواهد کرد.

همه راز رمز رفتارهای غیرمتعارف رئیس جمهور آمریکا در این خلاصه می شود، که او خطری است برای صلح.